

## بررسی تطبیقی فعل ماضی در دستور ترکی آذربایجانی و زبان فارسی

دکتر اکبر شعبانی<sup>۱</sup>

مریم جلالی کندلجی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این تحقیق به روش مقایسه‌ای، شیوه‌های ساخت فعل‌های ماضی و کیفیت آن در دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر شیوه ساخت و تعداد اجزای فعلی و ویژگی اجزا و شیوه ترکیب آن‌ها تفاوت‌های مسلم مشاهده گردید و در زمینه مفهوم و کاربرد فعل‌های ماضی تشابه به مراتب بیشتر از تفاوت است. به دلیل قاعده مندی بیشتر دستور زبان ترکی آذربایجانی نسبت به زبان فارسی، گستردگی و تنوع فعل‌های ماضی و اجزای آن‌ها چون شناسه‌ها، میانوندها و فعل‌های شبه کمکی و کمکی بیشتر از فعل‌های زبان فارسی است. گاهی یک فعل ماضی در زبان ترکی آذربایجانی خود چندین ساختار دارد که این ویژگی در زبان فارسی دیده نمی‌شود.

### کلید واژه‌ها:

فعل ماضی، دستور زبان، ترکی آذری و زبان فارسی، اجزای فعل ماضی و شیوه

ترکیب آن

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور  
<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری واحد علوم و تحقیقات خراسان رضوی

### مقدمه

در این پژوهش برآنیم تا با استفاده از شیوه تطبیق و مقایسه، انواع فعل های ماضی موجود در ترکی آذربایجانی به عنوان زبان محلی و زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشورمان بررسی شوند تا شیوه ساخت و تفاوت ها و شباهت های آن ها معلوم شود. سؤال های تحقیق، این است که فعل های ماضی در زبان ترکی آذربایجانی گستردگی و ساختارهای بیشتر دارد یا در زبان فارسی؟ و فعل های ماضی در این دو زبان، از لحاظ به کارگیری اجزایی چون بن فعلی و شناسه ها و سایر اجزا چه تفاوتی با همدیگر دارند؟

در خصوص پیشینه این تحقیق چند اثر یافت شد. دکتر صمد رحمانی خیاوی در کتاب «دستور زبان آذربایجانی» در بخش فعل کتاب، از انواع فعل ماضی فقط پنج فعل را مطرح کرده است. عبدالعلی خلخالی در کتاب «قاعده زبان ترکی» در دو سه صفحه فقط به ویژگی های فعل ماضی چون لازم و متعدی بودن، معلوم و مجهول بودن پرداخته است. علی محمدیانی در کتاب «بئله اوخو، بئله یاز»، (bela yaz, bela oxu) در بحث فعل ماضی بدون هیچ گونه توضیح و اشاره ای به ساختمان و شیوه های ساخت فعل ماضی برای هر کدام از دوازده فعل ماضی ای که نام برده؛ یک نمونه صرف کرده است. اسماعیل هادی در کتاب «ترکی هنر است» فقط چهار فعل ماضی را با توضیحاتی آورده و به ساختارهای گوناگون هر کدام از فعل های ماضی پرداخته است اما دکتر حسن احمدی گیوی در پژوهشی کامل در کتاب «دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی» به فعل ماضی و ساختارهای گوناگون آن پرداخته است. در این پژوهش به مقایسه تعداد فعل ها، اجزای فعل ها و شیوه ترکیب آن ها و تفاوت ها و شباهت های شیوه های ترکیب اجزا پرداخته شده است و برای هر نمونه صرف فعل حداقل یک صیغه آن، آوانگاری شده است و گاهی نام منطقه جغرافیایی که فعل های صرف شده در آنجا استفاده می شوند؛ آورده شده است.

برای کار در این پژوهش ابتدا با استفاده از نظرات دستورنویسان ترکی آذری و فارسی، تعداد فعل های ماضی ای که در حال حاضر در هر دو زبان کاربرد دارند؛ معلوم گردید و سپس به مقایسه بن فعلی و شناسه ها و طرز ساخت انواع فعل های ماضی و گستردگی آن ها از لحاظ یک ساختاری بودن یا بیشتر از آن پرداخته شد و برای هر کدام از زمان های مطرح

شده حداقل دو فعل صرف گردید و گاهی برای بیان لهجه‌ها و گویش‌های زبان ترکی از دوستانم در شهرهای مختلف کمک گرفته‌ام که نهایت سپاس را از ایشان دارم و از آقای دکتر صمد رحمانی خیابوی به خاطر راهنمایی‌های شان در مورد فعل ترکی آذربایجانی تشکر می‌کنم.

### مقایسه فعل ماضی در دستور ترکی آذربایجانی و زبان فارسی

فعل یکی از اقسام کلمه است که بر انجام کاری یا حرکتی و یا دارا بودن و قبول کردن حالتی در سه زمان اصلی یعنی گذشته، حال و آینده دلالت می‌کند. هر جمله‌ای به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شود و فعل هسته اصلی گزاره محسوب می‌شود. معنا و مفهوم همه عناصر و اجزای یک جمله با وجود فعل به یک نتیجه نهایی و قابل اتکا می‌رسد. هر فعل از اجزایی چون بن فعل، شناسه، پیشوندهای «می» نشانه فعل‌های ماضی استمراری، مضارع اخباری، مضارع مستمر، ماضی مستمر، «ن و م» نشانه فعل نهی و «ب» نشانه مضارع التزامی و فعل امر تشکیل می‌شود که از همه مهم‌تر و اساسی‌تر، بن فعل است که هسته فعل محسوب می‌شود و خود یک تکواژ آزاد قاموسی می‌باشد.

فعل ماضی در زبان فارسی با اتکا به نظر اکثر دستور نویسان نه صورت دارد که در گذشته صورت‌های دیگری نیز داشت که امروزه کاربرد ندارند. فعل در دستور زبان ترکی آذربایجانی بیشتر از زبان فارسی گستردگی دارد و گاهی هر ساخت آن چندین صورت دارد که هر کدام کاربردهای متفاوت دارند. با توجه به وجود واژه‌های دخیل در زبان ترکی، فعل بیشتر از اقسام دیگر کلمه چون اسم و صفت و قید و ... ساختار و کاربرد ترکی خود را حفظ کرده است و در محاوره، اکثر فعل‌ها با همان ساختار ترکی به کار می‌روند؛ حتی فعل‌های مرکب زبان فارسی که وارد زبان ترکی شده اند به صورت ترجمه ترکی کاربرد دارند مانند «چشم پوشیدن» ← «گۆز اؤتمک»، (göz ötmək) و «چشم به راه بودن» ← «گۆز یولدا قالماق»، (göz yolda qalmaq) و گاهی هم در فعل‌های مرکب حداقل جزء صرفی به ترکی تلفظ می‌شود مانند «حمایت کردن» ← «حمایت ایله ماق»، (hemayat)

eylamaq و « به شکم صابون زدن » ← « قارینا صابون وورماق »، ( qarına sabun vurmaq )؛ در صورتی که سایر اقسام کلمه با زبان فارسی بیشتر آمیخته‌اند.

در دستور زبان فارسی دو نوع بن فعلی وجود دارد: بن ماضی و بن مضارع. همه فعل‌های ماضی و فعل آینده از بن ماضی و فعل‌های مضارع از بن مضارع درست می‌شوند. در ترکی آذربایجانی تنها یک بن (کوک) فعلی وجود دارد و آن هم بن مضارع است که زیر ساخت و اساس همه فعل‌های ترکی از آن است. ساختار بن فعلی (کوک) در این زبان برابر با ساخت دوم شخص مفرد فعل امر در زبان فارسی است. بن‌های مضارع در ترکی مانند « گل gal، (بیا)، «قاچ، gaç» (بدو) «گتیر، gətir» (بیاور)، «پیشیر، pişir» (پیز). در دستور زبان فارسی بر سر بن فعلی پیشوندهایی چون تکواژ «می» برای ساخت مضارع اخباری، مضارع مستمر، ماضی مستمر و ماضی استمراری و تکواژ «ب» برای ساخت مضارع التزامی و فعل امر و تکواژ «ن و م» برای ساخت فعل نفی و نهی افزوده می‌شود؛ اما در دستور ترکی همه اجزای لازم برای ساخت فعل‌ها و حتی اسم‌ها و صفت‌ها به آخر بن فعلی افزوده می‌شود یعنی در اصل، بن‌های فعلی و اسمی پسوند و میانوند می‌پذیرند و به هیچ وجه پیشوند در این دستور کاربرد ندارد و این از ویژگی‌های زبان‌های پسوندی است که فقط پسوند می‌پذیرند. برای مثال «قاچ» بن مضارع است که برای ساختن فعل، اسم، مصدر و صفت، همه تکواژهای لازم به آخر آن افزوده می‌شود:

قاچ (بن مضارع) + د (میانوند ماضی ساز) + یم (شناسه) ← قاچدیم (دویدم - qaçdım) فعل.

قاچ (بن مضارع) + ماق (وند مصدر) ← قاچماق (دویدن - qaçmaq) مصدر.

قاچ (بن مضارع) + ان (وند صفت) ← قاچان (دونده - qaçan) صفت.

قاچاق (صفت) + چی (وند اسمی) ← قاچاقچی (قاچاقچی - qaçaqçı) اسم.

#### شناسه‌ها

یکی از بحث‌های اصلی در حوزه فعل، شناسه‌ها هستند که شخص و شمار فعل را تعیین می‌کنند. در دستور زبان فارسی برای همه فعل‌ها در سه زمان اصلی شش تا شناسه وجود دارد

« مَ ، ی ، دَ ، ایم ، ید ، نَد » که در فعل های ماضی به جز ماضی التزامی ، سوم شخص مفرد شناسه نمی گیرد.

در دستور زبان ترکی برای هر شخص فعل یک شناسه ثابت - چنان که در دستور زبان فارسی وجود دارد - دیده نمی شود و شناسه ها در هر شخص بسته به نوع مصوت هجای اول بن فعلی که نرم آوا ( اینچه ) و یا بلند آوا ( قالین ) باشد؛ متغیر است و مصوت آغازین فعل ها ، اسم ها ، مصدرها و سایر ترکیبات ، نوع مصوت های بعدی را مشخص می کند. در کل همه مصوت های یک واژه با پیروی از مصوت هجای اول واژه از گروه های هماهنگ و متناسب با آن تشکیل می شوند . مصوت های نرم آوا عبارتند از  $\bar{a}$  ،  $\bar{e}$  ،  $\bar{u}$  و  $\bar{o}$  ،  $\bar{ö}$  ،  $\bar{ü}$  و ای =  $\bar{i}$  . و بلند آواها عبارتند از :  $\bar{a}$  ، او =  $\bar{u}$  و  $\bar{u}$  =  $\square$  و  $\bar{o}$  =  $\circ$  .

« ترتیب قرار گرفتن مصوت های نازک ( نرم آوا - اینجه صایت لر ) به صورت زیر است :

بعد از مصوت «  $\bar{e}$  » مصوت های « ی » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : گلیرم

بعد از مصوت «  $\bar{u}$  » مصوت های « ی » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : گدیرم

بعد از مصوت «  $\bar{u}$  » مصوت های «  $\bar{o}$  » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : اوپورم

بعد از مصوت «  $\bar{o}$  » مصوت های «  $\bar{o}$  » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : گولورم

بعد از مصوت « ی » مصوت های « ی » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : ایچیرم

ترتیب قرار گرفتن مصوت های ضخیم ( بلند آوا - قالین صایت لر ) به صورت زیر است :

بعد از مصوت «  $\bar{a}$  » مصوت های « ی » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : آلترام

بعد از مصوت «  $\bar{a}$  » مصوت های « و » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : اخیورام

بعد از مصوت « و » مصوت های « و » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : اوچورام

بعد از مصوت « ی » مصوت های « ی » و «  $\bar{a}$  » می آید . مثل : یغئرام . (رحمانی

خیای، ۱۳۹۱: ۲۳).

شناسه های فعل های ترکی آذربایجانی عبارتند از :

۱- در اول شخص مفرد ، شش دسته شناسه داریم که هسته اصلی همه آن ها « م » است و

بسته به مصوت هجای اول بن فعلی ، مصوتی متناسب با آن قبل از « م » اضافه می شود . تا

میان دو صامت فاصله بیندازد که در زبان ترکی آذربایجانی توالی صامت ها ممکن نیست. آن شش شناسه عبارتند از: م (am)، یم (im)، ام (am)، وم (üm)، وم (um).  
 ۲- در دوم شخص مفرد هشت تا شناسه وجود دارد که همه آن ها صامت « ن » را دارند و مصوّت قبل از آن بر اساس قاعده هماهنگی آواها که توجّهش به مصوّت هجای اوّل بن فعل است، تغییر می کند مانند این کلمات: دئدین، dedin (گفتی)، سیخدین، sixdın (فشردی)، یودون، yudun (شستی)، دوردون، durdun (برخاستی). شناسه‌ها عبارتند از: ین (in)، ین (in)، ین (in)، ون (un)، ن (n)، ان (an)، ون (on)، ون (ün).

۳- در سوم شخص مفرد فعل های ماضی و مضارع ترکی آذربایجانی شناسه وجود ندارد و از این لحاظ با فعل های ماضی (به جز ماضی التزامی) دستور زبان فارسی مشابهت دارند. در فعل ترکی آذربایجانی تنها به آخر سوم شخص مفرد علامت های فعلی « ی، □، و » افزوده می شود که این علامت ها هم از قانون هماهنگی آواها تبعیت می کنند. در فعل های « آلدی، aldı (گرفت)، گوّل دو، güldü (خندید)، قویدو، goydu (قرار داد) » میانوند « د » پسوند ماضی ساز محسوب می شود.

۴- شناسه های اوّل شخص جمع با توجّه به قاعده هماهنگی اصوات گاهی « ق » و گاهی « ک » است که بسته به مصوّت هجای اوّل بن فعل، مصوّتی هماهنگ با آن، قبل از حروف نام برده افزوده می شود. شناسه‌ها عبارتند از: ک (k)، اق (ag)، وق (ug)، یق (ig)، وک (ük)، یک (ik). در فعل های زیر شناسه های اوّل شخص جمع را می بینیم که بعضی از آن ها در فعل های ماضی و بعضی در فعل های مضارع به کار می روند:

فعل ماضی: وئردیک، verdik (دادیم)، آپاردیق، apardıq (بردیم)، گلمیشدو، گلmişdük (آمده بودیم)، یودو، yudüq (شستیم).

فعل مضارع: وئرک، verrk (بدهیم)، آپارق، aparaq (بیریم).

۵- در دوم شخص جمع، چهار تا شناسه داریم که همه آن ها صامت « ز » را دارند اما مصوّت قبل از آن از قانون هماهنگی آواها پیروی می کند و با تغییر مصوّت هجای اوّل بن، تغییر می کند. آن ها عبارتند از: یز (iz)، یز (iz)، یز (üz)، وز (uz). مثال های فعلی:

ایچدیز، içdiz (نوشیدید)، چیخدیز، çixdiz (بیرون آمدید- قبول شدید) گوآلدوز، güldüz (خندیدید)، یودوز، yuduz (شستید).

۶- شناسه سوم شخص جمع «لر و لار» هستند که هر گاه مصوت هجای اول بن فعل بلند آوا (قالین) باشد «لار، lar» و اگر نرم آوا (اینجه) باشد «لر، lar» می آید. مانند آلدیلار، aldılar (خریدند - گرفتند) - گتدیلمر، getdilır (رفتند).

### شیوه های ساخت فعل های ماضی در زبان ترکی آذری و فارسی

اکثر دستورنویسان از جمله دکتر حسن انوری در دستور زبان فارسی (۲)، دکتر مهرانگیز نوبهار در دستور کاربردی زبان فارسی و دکتر احمدی گیوی در دستور تطبیقی ترکی و فارسی، فعل ماضی را در زبان فارسی نه نوع دانسته اند: ۱- ماضی ساده ۲- ماضی استمراری ۳- ماضی نقلی ۴- ماضی نقلی مستمر ۵- ماضی بعید (دور) ۶- ماضی ابعد (دورتر یا بعید کامل) ۷- ماضی التزامی ۸- ماضی مستمر (ملموس) ۹- ماضی مستمر نقلی؛ که دو مورد اخیر در دستور ترکی آذربایجانی معادل ندارند.

همه دستورنویسان در مورد تعداد فعل های ماضی در ترکی آذربایجانی اتفاق نظر ندارند و در آثار آن ها در بیان انواع فعل ماضی اتفاق نظر استواری نمی بینیم، اما نظر اکثرشان بر این است که گسترش فعل در زبان ترکی بیشتر از زبان فارسی است. هر فعل ماضی در ترکی گاهی خود به چند شاخه تقسیم می شود. در مجموع انواع فعل های ماضی که مورد قبول اکثر دستورنویسان است؛ در این زبان عبارتند از: ۱- ماضی ساده (کنچمیش زامان) ۲- ماضی استمراری (دواملی کنچمیش) ۳- ماضی نقلی (کنچمیش نقلی) ۴- ماضی نقلی مستمر (نقلی کنچمیشین دواملی سی) ۵- ماضی بعید (اوزاق کنچمیش) ۶- ماضی ابعد (اوزاق اوزاق کنچمیش) ۷- ماضی التزامی ۸- ماضی بعید مستمر (اوزاق کنچمیشین دواملی سی) ۹- ماضی ابعد مستمر (اوزاق اوزاق کنچمیشین دواملی سی)؛ که دو مورد اخیر در دستور زبان فارسی معادل ندارند و گاهی هر کدام از این فعل ها، خود چند تا ساختار دیگر دارد که با توجه به این ویژگی تعداد فعل های ترکی آذربایجانی منشعب از شاخه های اصلی به «بیست و یک مورد» می رسد.

۱ - ماضی ساده ( کنچمیش زامان یا شهودی کنچمیش ): ماضی ساده بر انجام گرفتن کاری و یا داشتن و پذیرفتن حالتی ، در زمان گذشته به طور قطع و یقین دلالت می کند. در این فعل گوینده خود شاهد انجام کار بوده است؛ از این جهت آن را با قطع و یقین بیان می کند. این فعل از لحاظ ساختمان، ساختاری گذشته دارد اما از لحاظ تقویمی ممکن است در آینده انجام بشود؛ مثلاً کسی موقع خارج شدن از خانه می گوید: « من رفتم » در حالی که هنوز داخل خانه است و بیرون نرفته است.

طرز ساختن ماضی ساده در دستور زبان فارسی: بن ماضی + شناسه ها ( دیدم - دیدی - دید - دیدیم - دیدید - دیدند ).

طرز ساختن ماضی ساده یا شهودی در دستور زبان ترکی آذربایجانی : بن مضارع فعل ( گۆر ) + میانوند ماضی ساز « د » + شناسه ها مثلاً « و م » ← گۆرد و م ( gördüm ) ، (دیدم).

صرف مصدر « گۆرماق » : گۆرد و م - گۆرد و ن - گۆرد و ۆ - گۆرد و ک - گۆرد و ۆز - گۆرد و لر. صرف مصدر « آپارماق » : آپاردیم - آپاردین - آپاردی - آپاردیق - آپاردینیز (آپاردیز) - آپاردیلار (apardalar) ، (بردند).

چنان که ملاحظه می شود در هر شش شخص هر دو فعل ، قانون هماهنگی آواها رعایت شده است. در فعل اول چون هجای اول بن مضارع فعل ، مصوت کوتاه ( نازک آوا ) دارد، هماهنگ با آن مصوتی نرم آوا قبل از شناسه ها افزوده شده است. مثلاً در اول شخص جمع و سوم شخص جمع ، شناسه های « ق و ک » و « لار و لر » به جهت هماهنگی با قانون هماهنگی آواها در دو فعل صرف شده ، متغیراند . در مصدر « گۆرماق » به خاطر صدای کوتاه ( نرم آوا ) هجای اول بن مضارع فعل در شخص های یاد شده ، « ک و لر » را می بینیم و در مصدر « آپارماق » به خاطر بلند آوا داربودن ( قالین ) هجای اول بن ، « ق و لار » آمده است. معمولاً در بعضی مناطق آذربایجان در اول شخص جمع به جای « ق و ک » از « خ » استفاده می شود حتی در نوشتار. این مورد در « حیدر بابایه سلام » هم به چشم می خورد:



« چوخ شکری وار ، گئنه گلدوخ گوروشدوخ / ایتلردن ، یتلردن سوروشدوخ / کوسموشدوخ دا الله قویسا باریشدوخ » (شهریار، ۱۳۶۹: ۴۴) .  
 مثال دیگر برای فعل شهودی : « شال ایسته دیم منده ائوده آغلادیم / بیر شال آلپ تئز بئلیمه باغلادیم » (همان : ۲۴) .

**ماضی ساده توانی** ساختار دیگری از ماضی شهودی است که معنی و مفهوم توانستن انجام کاری را با قطع و یقین بیان می کند و این گونه درست می شود : بن مضارع فعل (او<sup>۰</sup>خو) + « ی » وقایه + میانوند « ا » + صرف ماضی ساده فعل شبه معین « بیلمک » ← او<sup>۰</sup>خویابیلدیم (oxuyab ildim)، (توانستم بخوانم) - او<sup>۰</sup>خویابیلدین - او<sup>۰</sup>خویابیلدی - او<sup>۰</sup>خویابیلدیک - او<sup>۰</sup>خویابیلدینیز (او<sup>۰</sup>خویابیلدیز) - او<sup>۰</sup>خویابیلدیلر.

این فعل در لهجه تبریز، پارس آباد، اردبیل، ارومیه و هشتروند به همین شکل تلفظ می شود و در لهجه شهرستان مرند به این صورت صرف می شود : « او<sup>۰</sup>خویابولدوم (oxuyaböldüm) - او<sup>۰</sup>خویابولدون - او<sup>۰</sup>خویابولدو - او<sup>۰</sup>خویابولدوخ - او<sup>۰</sup>خویابولدوز - او<sup>۰</sup>خویابولدولر.

این فعل در گویش زنجان به صورت « او<sup>۰</sup>خویه بیلدیم، oxuyabaldam » صرف می شود . پس در هر دو زبان ترکی و فارسی برای ساخت این فعل ، از فعل شبه معین استفاده می شود .

۲ - **ماضی استمراری ( دواملی کئچمیش )** : ماضی استمراری ، فعلی است که انجام کاری را در زمان گذشته همراه با دوام و استمرار و شرط برای مدت مشخص بیان می کند . طرز ساخت ماضی استمراری در زبان فارسی « می + ماضی ساده » است. می دیدم - می دیدی - می دید - می دیدیم - می دیدید - می دیدند. ماضی استمراری در دستور ترکی آذربایجانی چند علامت دارد که به پیروی از قانون هماهنگی آواها در فعل های مختلف متفاوت است. آن میانوند ها عبارتند از : یر (ir)، یر (ir)، -ر (ar)، ار (ar)، ور (ür)، ور (ur).

این فعل در زبان ترکی گسترش بیشتری دارد و چندین ساخت دارد:

**ماضی استمراری اخباری:** این فعل همراه است با استمرار و دوام کوتاه کاری همراه با خبری از آن کار. دکتر احمدی گیوی در کتاب «دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی» نام آن را «تداومی و دیرپای» می‌گذارد. این فعل از «بن مضارع فعل + میانوندهای استمراری ساز یر، ئر، -ر، ار، ور، وُر + میانوند ماضی ساز «د» + شناسه‌ها» درست می‌شود. به عنوان نمونه برای هر کدام از میانوندهای نام برده، به ترتیب فعلی آورده می‌شود: گلیردیم (g lirdim) - یازیردیم (yaz irdim) - گلردیم (g lrdim) - آتاردیم (atardim) - ووروردیم (vururdim) - گوّلوردوم (gölördüm). «سحر میخانه اطرافین گزیردیم مست بی پروا / که گووردوم اوندا ناگه بیر عجایب صورتی زیبا» (نباتی، ۱۳۷۲:۷۵).

**ماضی استمراری عادت:** وقوع فعل را همراه با استمرار و دوام و عادت و تکرار بیان می‌کند و بر عادت گذشته و جواب شرط به کار می‌رود. دکتر علی محمد بیانی در کتاب «بئله اوخو، بئله یاز» از این فعل با عنوان «ماضی استمراری ابدی» نام می‌برند. این ساختار از «بن مضارع فعل + میانوندهای استمراری ساز «ر و ار» + میانوند ماضی ساز «د» + شناسه‌ها» ساخته می‌شود. (گل + ر + د + یم) ← گلردیم - گلردین - گلردی - گلردیک - گلردینیز (گلردیز) - گلردیلر (galardilar).  
صرف فعل با میانوند استمراری ساز «ار»: آپاراردیم - آپاراردین - آپاراردی - آپاراردیق - آپاراردیز - آپاراردیلار (aparardalar).

مثال شعری: «بو باخچادا آش تره سی درردیک / هی سو آچوب کردیه گؤز تیکردیک» (شهریار، ۱۳۶۹: ۵۰)

«خجه سلطان عمه دیشین قیساردی / ملا باقر عم اوغلی تئز میساردی» (همان، ۲۸).  
**ماضی استمراری شرطی:** این فعل الزاماً برای بیان فعل شرط به کار می‌رود. طرز ساخت این فعل به صورت زیر است: بن مضارع فعل + میانوندهای شرط «سه / سا» + میانوند «ید» + شناسه‌ها.

صرف فعل: وئرسه یدیم - وئرسه یدین - وئرسه یدی - وئرسه یدیک - وئرسه یدینیز (یز) - وئرسه یدیلر (versaydilar)، (اگر می دادند یعنی ندادند).

آپارساییدیم - آپارساییدین - آپارساییدی - آپارساییدیق - آپارساییدینیز (یز) - آپارساییدیلار (aparsaydalar)، (اگر می بردید یعنی نبردید). در زبان فارسی به جای میانوندهای شرطی ساز، حرف شرط «اگر» قبل از فعل می آید.

**ماضی استمراری التزامی:** برای بیان فعلی که در زمان گذشته انجام نشده است و گوینده در زمان حال حسرت می خورد که ای کاش آن کار را در گذشته انجام می داد. این فعل با آرزو همراه است. طرز ساخت آن: بن مضارع فعل + میانوندهای ای و آی + میانوند ماضی ساز «د» + شناسه ها.

صرف مصدر «او خوماق» در ماضی استمراری التزامی با میانوند «ای»: او خوییدیم (او خو، بن مضارع + صامت میانجی «ی» + میانوند «ای» + میانوند ماضی ساز «د» + شناسه «یم» - او خوییدین - او خوییدی - او خوییدیق - او خوییدینیز (یز) - او خوییدیلر (oxuyeydilar). (این صورت در تبریز، هشتروند و اردبیل، بیله سوار، کلیبر و زنجان استفاده می شود)

صرف با میانوند «آی»: او خویایدیم - او خویایدین - او خویایدی - او خویایدیق - او خویایدینیز (یز) - او خویایدیلار (oxuyaydalar). (این صورت در مرند و بعضی روستاهای اطراف استفاده می شود)

**ماضی استمراری مصدری:** این فعل ادامه زودگذر کاری را در زمان گذشته می رساند و قبل از کار دیگری شروع می شود و آن کار دیگر در زمان ماضی شهودی یا ساده بیان می شود. مثلاً «من گلمک دیدیم کی دو ستوم یو لدان یتیشدی (man galmakdaydim ki dostum yoldan yetişdi)» و این گونه درست می شود: مصدر فعل اصلی + حرف اضافه د (د) - دا (در فارسی) + ساخت ماضی ساده ایمک. گلمک دیدیم - گلمک دیدین - گلمک دیدی - گلمک دیدیک - گلمک دیدیز - گلمک دیدیلر (galmakdaydilar).

صرف مصدر «آچماق»: آچماق دیدیم - آچماق دیدین - آچماق دیدی - آچماق دیدیق - آچماق دیدیز - آچماق دیدیلر (açmaq deydilar).

ماضی استمراری توانی بیشتر در جواب فعل شرط می‌آید و امکان محقق شدن کاری را به اطلاع می‌رساند. مثلاً «اگر سن منه نامه وئرسه یدین من سیزه گله بیلردیم (agar san mana nama versaydin man siza gala bilardim)». و این گونه ساخته می‌شود: بن مضارع فعل اصلی + میانوند - و آ + صرف فعل شبه کمکی بیلیمک (دانستن) در ماضی استمراری دیرپای و یا ماضی استمراری عادتی. گله بیلردیم - گله بیلردین - گله بیلردی - گله بیلردیک - گله بیلردیز - گله بیلردیلر (gala bilardilar)، (می‌توانستید بیایید).

ماضی استمراری شایانی شایسته و یا لازم بودن انجام کاری را در گذشته بیان می‌کند خواه آن کار در گذشته انجام شده باشد و یا شایسته بود که انجام شود ولی انجام نشده است. و این گونه ساخته می‌شود: صفت لیاقت فعل اصلی + ماضی ساده فعل کمکی «ایمک». آلمالی ایدیدیم - آلمالی ایدیدین - آلمالی اییدی - آلمالی اییدیق - آلمالی اییدیز - آلمالی اییدیلر (almali idilar)، (باید آن‌ها را می‌گرفتند یا باید آن‌ها را می‌خریدند).

۳ - ماضی نقلی (گنچمیش نقلی): این فعل بیشتر برای بیان فعلی که در گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد و یا کاری در گذشته انجام شده و نتیجه آن تا به حال باقی است؛ به کار می‌رود. طرز ساخت ماضی نقلی در زبان فارسی: صفت مفعولی فعل اصلی + ام، ای، است، ایم، آید، اند (دیده ام، دیده ای، دیده است، دیده ایم، دیده آید، دیده اند).

طرز ساخت ماضی نقلی در زبان ترکی آذربایجانی: بن مضارع فعل + میانوندهای میس (miş)، میس (miş)، موش (muş)، موش (müş) = (صفت مفعولی) + شناسه‌ها. صرف ماضی نقلی مصدر «گلماق»: گلمیشم - گلمیشسن - گلمیش - گلمیشیک - گلمیشسینیز (گلمیشسینیز) - گلمیشلر (galmişlar)، (آمده اند).

«س» میانوندی است که در دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع قبل از شناسه‌ها اضافه شده است.

در لهجه محاوره‌ای شهر تبریز و مرند و بعضی شهرستان‌های دیگر در دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع حرف « ش » را می‌اندازند و تلفظ می‌کنند: گلمیسن (galmisan) - گلمیسیز (galmisiz) و برعکس در زنجان در دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع « س » را می‌اندازند و تلفظ می‌کنند: گلمیشن (g\_lmiş\_n) - گلمیشنیز (g\_lmiş\_niz)، (گلمیشنیز).

صرف ماضی نقلی مصدر « آلماق »: آلمیشام - آلمیشسان - آلمیش - آلمیشیق - آلمیشسینیز (یز) - آلمیشلار (almaşlar).

« کجاویله بوچایدان چوق گنچمیشیک / بو چشمه لردن نه سولار / یچمیشیک » (همان، ۴۵).  
صرف مصدر « او<sup>و</sup>خوماق » در ترکی زنجان: او<sup>و</sup>خوموشام - او<sup>و</sup>خوموشان / او<sup>و</sup>خوموشای - او<sup>و</sup>خوموش - او<sup>و</sup>خوموشوق - او<sup>و</sup>خوموشوق - او<sup>و</sup>خوموشوز - او<sup>و</sup>خوموشلار (oxumuşlar).

ماضی نقلی در زبان ترکی با یک علامت دیگر یعنی میانوند « یب ، ئب ، وب ، و<sup>ب</sup> » نیز می‌آید. این میانوند ها در اوّل شخص مفرد و اوّل شخص جمع کاربرد ندارند. صرف مصدر « آلماق »: \_\_\_\_\_ ، آلیب سان ، آلیب دی ، \_\_\_\_\_ ، آلیب سینیز ( آلیب سیز ) ، آلیب دیلار (alabdalar).

در بعضی از مناطق آذربایجان این میانوند ها به صورت « یپ ، ئپ ، وپ ، و<sup>پ</sup> » به کار می‌برند. شهریار در حیدربابای خود هم این مورد را مکرر آورده است: « من گوردوم کروان چاتوپ کؤچوپدی / آیریلیغین شربتینی / یچپیدی / عمروموزون کؤچی بوردان گنچپیدی » (همان: ۴۲).

ماضی نقلی در اردبیل و پارس آباد و ارومیه بیشتر با میانوند « یب و گونه های دیگر آن به کار می‌رود و کمتر با میانوند « - میش » و گونه های دیگر آن به کار می‌رود.

۴ - ماضی نقلی استمراری ( نقلی کنچمیشین دواملی سی ): ماضی نقلی استمراری که آن را ماضی نقلی مستمر نیز می‌گویند ، مفهوم و پیام فعل های ماضی نقلی و ماضی استمراری رادر یک جا می‌رساند که فعلی در زمان گذشته مکرر انجام می‌شده است و اثر آن تا مدت‌ها

باقی می مانده است. این فعل در زبان فارسی یک ساختار دارد و آن با افزودن « می » بر سر فعل ماضی نقلی به دست می آید:

صرف مصدر «رفتن»: می رفته ام - می رفته ای - می رفته است - می رفته ایم - می رفته اید - می رفته اند.

ماضی نقلی مستمر در زبان ترکی با افزودن میانوند « یر (ir) » و صورت های دیگر آن یعنی یر (ir) ، ور (ur) ، ۆر (ür) « در ساختار ماضی نقلی بعد از بن مضارع فعل درست می شود:

طرز ساخت آن: بن مضارع فعل + میانوند های یر، ۆر، ور، ور + میانوندهای میش، مئش، موش، موئش + شناسه ها.

صرف مصدر « گلمک »: گلیرمیشم - گلیرمیشسن - گلیرمیش - گلیرمیشیک - گلیرمیشسینیز (یز) - گلیرمیشلر (galirmaşlar)، ( می آمده اند ).

صرف مصدر « گو لَماق »: گو لۆ رموئشم - گو لۆ رموئشسن - گو لۆ رموئش - گو لۆ رموئشوک - گو لۆ رموئش سۆ ز - گو لۆ رموئشلر (gölürmüşlər)، ( می خندیده اند ).

ماضی نقلی استمراری در زبان ترکی، سه صورت دیگر دارد:

**ماضی نقلی مستمر مصدری:** این فعل از « مصدر فعل اصلی + میانوند های د (da) و دا (da) که معنای « در حال » را می رساند + فعل کمکی ایمیش (imiş) + شناسه ها ساخته می شود.

صرف مصدر « دَرَمک »: درمک ده ایمیشم - درمک ده ایمیشسن - درمک ده ایمیش - درمک ده ایمیشسینیز (سیز) درمک ده ایمیشلر (d ır m ıkd ı y m ı ş l ı r)، ( در حال چیدن بوده اند ).

صرف مصدر « آَلماق »: آَلماق دایمیشام - آَلماق دایمیشسان - آَلماق دایمیش - آَلماق دایمیشیک - آَلماق دایمیشسینیز (سیز) - آَلماق دایمیشلار (almag daymaşlar)، ( در حال خریدن بوده اند یا در حال گرفتن بوده اند ). علی محمد بیانی در کتاب « بئله اوخو، بئله یاز » این فعل را ماضی مصدری روایتی می نامد.

**ماضی نقلی مستمر توانی** : این فعل از صرف فعل اصلی در مضارع التزامی (سوم شخص مفرد) + صرف فعل شبه کمکی « بیلکم » (دانستن) در ماضی نقلی مستمر ساخته می‌شود. صرف مصدر « گتتمک » در مضارع التزامی : گنده م - گنده سن - گنده - گنده ک - گنده سیز - گنده لِر (gedalar).

البته در لهجه تبریز و زنجان و مرند و بعضی جاها به جای « گتتمک، getmak » از « گتتماق، getmaq » استفاده می‌کنند و در هشتروند « گتتمح، getmah » می‌گویند که در « گتتماق » قانون هم آوایی صداها رعایت نمی‌شود و از اصول دستور زبان معیار ترکی عدول می‌شود؛ چون « - » نرم آوا است و در هجای دوم « آ » که مصوت ضخیم (قالین) است؛ آمده است. صرف مصدر « گتتمک » : گنده بیلریشم (می‌توانسته‌ام بروم) - گنده بیلریش سن - گنده بیلریش - گنده بیلریشیک - گنده بیلریش سینیز (سیز) - گنده بیلریش لِر (gedabilarmışar).

**ماضی نقلی مستمر شایانی** : این فعل لزوم و واجب بودن انجام کاری را می‌رساند. **طرز ساخت آن**: صفت لیاقت فعل اصلی + میانوندهای میش، مئش، موش، موش + شناسه‌ها. صرف مصدر « گتتمک »: گتتملی میشم - گتتملی میشسن - گتتملی میش - گتتملی میشیک - گتتملی میشسینیز (یز) - گتتملی میشلر (getmalimişlar)، ( رفتنی بوده اند یعنی باید می‌رفتند). صرف مصدر « آلماق »: آلمالی میشام - آلمالی میشسان - آلمالی میش - آلمالی میشیک - آلمالی میشسینیز (یز) - آلمالی میشلار (almala maşlar).

**۵ - ماضی بعید (اوزاق کئچمیش)** : در ماضی بعید انجام گرفتن کاری یا داشتن و پذیرفتن حالتی در گذشته‌های دور قبل از فعل دیگری بیان می‌شود. این دو فعل یا هر دو در گذشته روی داده‌اند و حالا مقایسه می‌شوند و یا یکی از آنها در زمان گذشته انجام گرفته و حالا با فعلی که در زمان حال ( مضارع التزامی ) انجام می‌گیرد؛ مقایسه می‌شود. این فعل در زبان فارسی از صفت مفعولی فعل اصلی + ماضی ساده فعل کمکی « بودن » ساخته می‌شود. رفته بودم - رفته بودی - رفته بود - رفته بودیم - رفته بودید - رفته بودند.

ماضی بعید در زبان ترکی آذربایجانی از ساخت صفت مفعولی فعل اصلی + میانوند ماضی ساز « د » + شناسه‌ها درست می‌شود. صفت مفعولی در زبان ترکی از « بن مضارع + وندِ میش » ساخته می‌شود. مانند گلمیش (galmiş) - گتمیش (getmiş) - او<sup>و</sup>خوموش (oxumuş). صرف مصدر «گلمک»: گلمیش دیم - گلمیش دین - گلمیش دی - گلمیش دیک - گلمیشدینیز (یز) - گلمیش دیلر (galmiş dilar). صرف مصدر « او<sup>و</sup>خوماق »: او<sup>و</sup>خوموش دوم - او<sup>و</sup>خوموش دون - او<sup>و</sup>خوموش دی - او<sup>و</sup>خوموش دوق - او<sup>و</sup>خوموش دوز - او<sup>و</sup>خوموش دیلار (oxumuş dalar).

« حیدربابا سنی وطن بیلمیشدیم / وطن دیوب باش گؤتوروپ گلمیشدیم / سنی گوروب گوز یاشیمی سیلمیشدیم » (همان، ۵۳).

۶ - ماضی بعید مستمر (اوزاق کئچمیشین دواملی سی): ماضی بعید مستمر در زبان فارسی با افزودن « می » بر سر فعل ماضی بعید ساخته می‌شود مانند « می‌رفته بودم - می‌رفته بودی - ... در حال حاضر این فعل در زبان فارسی متروک است و به کار نمی‌رود و در نشر های کهن دیده می‌شود.

ماضی بعید مستمر در ترکی آذربایجانی بر خلاف زبان فارسی در حال حاضر کاربرد دارد و در زبان فارسی معادل آن را نمی‌بینیم. این فعل با حالت شرط، انجام نگرفتن کاری را در گذشته دور بیان می‌کند؛ با این مفهوم که انجام کار دیگری ممکن بوده است ولی به خاطر انجام نگرفتن این کار (فعل شرط)، جواب شرط هم انجام نشده است. این فعل از صفت مفعولی فعل اصلی + ماضی استمراری مصدر « او<sup>و</sup>لماق (olmag) » درست می‌شود.

صرف مصدر « گلمک »: گلمیش او<sup>و</sup>لسایدیم - گلمیش او<sup>و</sup>لسایدین - گلمیش او<sup>و</sup>لسایدی - گلمیش او<sup>و</sup>لسایدیق - گلمیش او<sup>و</sup>لسایدیز - گلمیش او<sup>و</sup>لسایدیلار (galmiş olsaydalar)، (اگر ایشان می‌آمده بودند ...).

ساختار دیگر ماضی بعید مستمر، شکل غیر شرطی آن است به این صورت که گوینده آرزوی انجام دادن کاری را دارد که در گذشته آن کار انجام نگرفته است و این گونه صرف می‌شود: گلمیش اولایدیم - گلمیش اولایدین - گلمیش اولایدی - گلمیش اولایدیق -



گلمیش اولایدینیز (یز) - گلمیش اولایدیلار (galmiş olaydalar)، (کاش ایشان هم می آمده بودند).

۷ - ماضی ابعدا (اوزاق اوزاق کئچمیش): ماضی ابعدا انجام گرفتن کاری را در گذشته‌های دور بیان می‌کند و آن‌ها را در حال حاضر به نوعی یادآوری و زنده می‌کند. این فعل مانند سایر فعل‌های ترکی پرکاربرد نیست. ماضی ابعدا در زبان فارسی از صفت مفعولی فعل اصلی + صرف فعل کمکی «بودن» در زمان ماضی نقلی، ساخته می‌شود. رفته بوده‌ام - رفته بوده‌ای - رفته بوده است - رفته بوده‌ایم - رفته بوده‌اید - رفته بوده‌اند.

ماضی ابعدا در زبان ترکی آذربایجانی این گونه ساخته می‌شود: صفت مفعولی فعل اصلی + فعل ماضی ایمیش + شناسه‌ها. وئرمیش ایمیشم - وئرمیش ایمیش سن - وئرمیش ایمیش - وئرمیش ایمیشیک - وئرمیش ایمیش سینیز (یز) - وئرمیش ایمیشلر (vermişimışlar)، (داده بوده‌اند). علی محمدبیانی این فعل را «ماضی بعید روایتی» می‌نامد.

۸ - ماضی ابعدا مستمر (اوزاق اوزاق کئچمیشین دواملی سی): این فعل برای بیان کاری در گذشته‌های دور که به طور مستمر انجام می‌گرفته است؛ دلالت می‌کند. این فعل در زبان فارسی امروز کاربرد ندارد و در زبان فارسی کهن با افزودن «می» بر سر ماضی ابعدا ساخته می‌شد. مانند: می‌خورده بوده‌ام - می‌خورده بوده‌ای - می‌خورده بوده است - ...

طرز ساخت ماضی ابعدا مستمر در زبان ترکی آذربایجانی: صرف فعل اصلی در ماضی نقلی مستمر (سوم شخص مفرد) + میانوند ماضی ساز «د» + شناسه‌ها.

امروزه در زبان ترکی بیشتر ساخت سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع این فعل کاربرد دارد. صرف مصدر «باخماق» در ماضی ابعدا مستمر: باخیرمیش دیم - باخیرمیش دین - باخیرمیش دی - باخیرمیش دیق - باخیرمیش دینیز (یز) - باخیرمیش دیلار (baxarmaş dalar).

۹ - ماضی التزامی: این فعل بر انجام گرفتن کاری یا داشتن و پذیرفتن حالتی همراه با شک و آرزو و احتمال و امید دلالت می‌کند. ماضی التزامی در زبان فارسی از صفت مفعولی فعل

اصلی + صرف مضارع ساده فعل کمکی « باش » درست می شود. گفته باشم - گفته باشی - گفته باشد - گفته باشیم گفته باشید - گفته باشند.

ماضی التزامی در زبان ترکی آذربایجانی سه ساختار دارد که به صورت خلاصه بیان می شوند :

### ماضی التزامی شرطی (۱)

طرز ساخت آن : صفت مفعولی فعل اصلی + مضارع التزامی شرطی فعل کمکی « او<sup>۰</sup>لماق » (باشیدن). گلمیش او<sup>۰</sup>لسام - گلمیش او<sup>۰</sup>لسان - گلمیش او<sup>۰</sup>لسا - گلمیش او<sup>۰</sup>لساق - گلمیش او<sup>۰</sup>لساز - گلمیش او<sup>۰</sup>لسالار (galmiş olsalar) (اگر شما آمده باشید). لازم به یادآوری است که میانوند «س» میانوند شرطی ساز است.

### ماضی التزامی شرطی (۲)

طرز ساخت آن : صفت مفعولی فعل اصلی + میانوندهای شرطی ساز س (sa) و سا (sa) + شناسه ها. آلمیش سام - آلمیش سان - آلمیش سا - آلمیش ساق - آلمیش ساز - آلمیش سالار (almaz salar). این فعل نسبت به شرطی (۱) قدیمی تر است و اکنون خیلی کم کاربرد دارد.

### ماضی التزامی غیر شرطی

این فعل بر انجام کاری در زمان گذشته همراه با شک و احتمال و آرزو و گاهی شرط بیان می شود. شیوه ساخت این فعل اینگونه است : صفت مفعولی فعل اصلی + ساخت مضارع التزامی ساده ی مصدر «او<sup>۰</sup>لماق». مثال در جمله: « شاید من قباقجا او<sup>۰</sup>لارینه اولرینه گتتمیش او<sup>۰</sup>لام، şayad man gabagca olaran evlarina getmiş olam. » (بیان شک و احتمال) « ایستیرم قارداشیم گیل، کربلایه گتتمیش او<sup>۰</sup>لالار، istiram gardaşam gil » (بیان آرزو) « اگر سن قباقجا او<sup>۰</sup>نی گورموش او<sup>۰</sup>لسان، ایندی گرک او<sup>۰</sup>نی تانیاسان agar san gabagca oni görmüş olasan, indi garak » (بیان شرط) « ona tanyasan getmiş » (بیان شرط) گتتمیش او<sup>۰</sup>لام - گتتمیش او<sup>۰</sup>لسان (او<sup>۰</sup>ل) - گتتمیش او<sup>۰</sup>لسون - گتتمیش او<sup>۰</sup>لاق - گتتمیش او<sup>۰</sup>لون (او<sup>۰</sup>لاسوز) - گتتمیش او<sup>۰</sup>لالار (getmiş olalar).

## نتیجه گیری

با توجه به تحقیق و پژوهش حاضر، نتیجه می‌گیریم که فعل‌های ترکی آذربایجانی و زبان فارسی از نظر صورت و شیوه ساخت فعل‌ها و اجزای فعلی تفاوت‌های فراوانی با هم دارند و کم و بیش شباهت‌هایی هم دارند؛ مثلاً در فعل ماضی ساده در هیچ کدام از زبان‌های مورد بحث ما فعل کمکی دیده نمی‌شود و یا در فعل ماضی استمراری توانی که در هر دو زبان کاربرد دارد از فعل شبه کمکی استفاده می‌شود و یا در ماضی نقلی در هر دو زبان صفت مفعولی یکی از اجزای فعل است. از نظر مفهوم و کاربرد فعل‌ها شباهت‌های بیشتری دیده می‌شود. تعداد فعل‌ها در هر دو دستور «نه» مورد می‌باشد و چون گاهی هرکدام از فعل‌های زبان ترکی آذربایجانی خود چندین ساخت دارند، پس تعداد فعل‌ها در این پژوهش به «بیست و یک» می‌رسد. فعل‌های ماضی بعید مستمر و ماضی ابعید مستمر «مورد استفاده در زبان ترکی، در زبان فارسی کاربرد ندارند و فعل‌های «ماضی مستمر (ملموس) و ماضی مستمر نقلی» مورد استفاده در زبان فارسی در دستور ترکی کاربرد ندارند. به دلیل قاعده‌مند بودن دستور زبان ترکی در مورد شیوه ترکیب اجزای فعل و شرط هماهنگی آن اجزا با هم از لحاظ نرم آوا و بلندآوا بودن، مشاهده شد که فعل ترکی آذربایجانی در اجزای فعلی تنوع و گستردگی فراوانی دارد و این سرعت یادگیری این دستور را با دشواری همراه می‌کند و این ویژگی را فعل‌های فارسی ندارند. چون فعل‌های ماضی ترکی آذربایجانی هم از بن (کوک) مضارع حاصل می‌شوند پس همیشه در فعل‌های ماضی یک میانوند ماضی ساز وجود دارد ولی در فعل فارسی این ویژگی‌ها را نمی‌بینیم. در فعل ترکی اجزای شرطی ساز جزئی از ساختمان فعل است در حالی که در زبان فارسی کلمات «اگر، چنانکه، گرچه» که مفهوم شرط را می‌رسانند جدا از فعل و قبل از آن می‌آیند و در فرآیند صرف فعل شرکت نمی‌کنند. گاهی در بعضی از فعل‌ها که فعل کمکی نداریم، میانوندها و پسوندهایی به عنوان نشانه فعلی می‌آیند و در فعل فارسی این نشانه‌ها بیشتر به عنوان پیشوند می‌آیند؛ مثل: «می، ب، ن، م».

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن، (۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی (۲)، تهران، فاطمی، چاپ اوّل.
- ۲ - \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی، تهران، قطره، چاپ اوّل.
- ۳ - شهریار، محمدحسین، (۱۳۶۹)، حیدر بابایه سلام، تبریز، پیوند، چاپ سوم.
- ۴ - ضیاء حسینی، سیدمحمد، (تابستان و پاییز ۱۳۷۷)، « بررسی مقابله‌ای عامل زمان در فعل فارسی و ترکی آذری»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء س، شماره ۲۷-۲۶ / سال هشتم.
- ۵ - محمدبیانی، علی، (۱۳۹۱)، بئله اوخو، بئله یاز، تبریز، اختر، چاپ اوّل.
- ۶ - خلخالی، عبدالعلی، (۱۳۸۷)، قاعده زبان ترکی، حسین محمدزاده صدیق (مصحح)، تبریز، یاران.
- ۷ - نوبهار، مهرانگیز، (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، تهران، رهنما، چاپ اوّل.
- ۸ - هادی، اسماعیل، (۱۳۷۴)، ترکی هنر است، تبریز، احرار، چاپ اوّل.
- ۹ - نباتی، سیدابوالقاسم، (۱۳۷۲)، دیوان ترکی، تبریز، احرار، بیرنجی چاپ.